به انگیزه سالگرد شورش کور منافقین، کتاب‌هایی درباره این سازمان تروریستی را بررسی کرده‌ایم

تبیین ۶ دهه نفاق و جنایت

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، روز مهمی در تاریخ معاصر ایران است. در این روز، سازمان مجاهدین خلق ایران بعد از مدت‌ها کشمکش سیاسی و با آشکار شدن ماهیت رهبرانش نزد مردم، دست به یک اقدام ماجراجویانه زد و با فراخوان نیروهایش برای مقابله مسلحانه با نیروهای انقلاب، تضاد خود را با نظام جمهوری اسلامی و رهبری امام(ره) آشکار کرد. شورشی که اعضای این سازمان در آن روز به پا کردند، خیلی زود سرکوب شد و تنها حاصلش مرگ بسیاری از جوانان فریب‌خورده‌ای بود که در دام تبلیغات و ادعاهای سران این سازمان گرفتار شده بودند و توان تشخیص را از دست داده بودند. سازمان مجاهدین خلق ایران از آن روز در مسیری پرشتاب از سقوط و تباهی بیشتر درغلتید و هر روز خیانتی نو و جنایتی جدید از اعضای آن سرزد تا جایی که در زمان جنگ به ستون پنجم و نوکران دست‌وپابسته دشمن تبدیل شدند. در این روز بد ندیدیم تا چند کتاب را که روایتی درست و جذاب از پشت پرده و واقعیت‌های گروهک نفاق به دست می‌دهد، مرور کنیم.

روایتی از یک انشعاب

سازمان مجاهدین خلق ایران که حدود ۶۰ سال قبل در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد، در طول حیات خود شاهد چندین گسست و انشعاب مهم بوده است. یکی از مهم‌ترین این انشعابات را تقی شهرام، از چهره‌های مخوف تاریخ این سازمان، رقم زد. او با تغییر در ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق از اسلام به مارکسیسم و انتشار بیانیه مهرماه ۱۳۵۵ تصمیم گرفت بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق ایران را ایجاد کند و شورایی ۱۲ نفره با نام رهبری موقت تشکیل دهد. آذرماه ۱۳۵۷ هم با اعلام طرح مبارزه مسلحانه توده‌ای، ساختار جدیدی را در سازمان ایجاد کرد. به‌دنبال این تحولات، دو بخش پوسته سازمان به‌نام‌های «نبرد» و «آرمان» به‌دلیل اختلاف تشکیلاتی جدا شدند و بخش باقیمانده با نام جدید «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» سازماندهی شد.

در نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب، این گروه دست به فعالیت بیشتری برای مطرح‌کردن خود زد و در سال ۱۳۵۸ هم این فعالیت بیشتر شد اما نهایتا این گروه هم نتوانست مدت‌زمان زیادی فعالیت کند. یکی از اعضای کادر رهبری این گروه، قاسم عابدینی است که نخست گرایش مارکسیستی داشت ولی بعد از قبولی در دانشگاه تهران به سازمان مجاهدین خلق پیوست اما بعد از مدتی جزو انشعابی‌های سازمان شد. عابدینی در سازمان تا رده پس از مرکزیت رشد کرد و در ترور سه مستشار غیرنظامی آمریکایی مشارکت داشت و چون قلم خوبی داشت، مورد توجه قرار گرفت و به برخی اطلاعات مخفی‌شده مرکزیت دست یافت. او در تیر ۱۳۶۰ دستگیر و در آبان ۱۳۶۳ اعدام شد. کتاب «رونوشت برابر اصل» شامل یادداشت‌های اوست که در دوران زندان نوشته شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را با تدوین و گردآوری احمدرضا کریمی منتشر کرده است. این کتاب، اطلاعات دست‌اولی از درون تشکیلات مجاهدین خلق و پیکار به دست می‌دهد و ماهیت فرقه‌ای سازمان را حتی قبل از تبدیل‌شدن رهبران آن به بت‌های ذهنی طرفداران فریب‌خورده‌اش نشان می‌دهد. از جمله نکاتی که او در این کتاب بر آنها تصریح دارد، سوءاستفاده سازمان از نقش زنان است. به گفته وی، زنان به مثابه نیرویی کم‌ارزش‌تر در سازمان جاافتاده بودند. نقش آنان این بود که با استفاده از حجاب، به وسیله‌ای برای حمل‌ونقل ساده‌تر مدارک و نشریات تبدیل شوند و چون احساس می‌شد مزدوران ساواک در برخورد با آنها شدت‌عمل برخورد با مردان را ندارند، به گوشت جلوی توپ اعضای سازمان تبدیل شده بودند. ضمن این‌که با شدت‌گرفتن برخورد ساواک و افزایش ضرورت زندگی مخفی، خانه‌های تیمی به شکل مکان‌هایی برای سوءاستفاده‌های جنسی اعضای رده بالای سازمان درآمده بود و به قول خود عابدینی «(این رویکردها) وضعی برای زنان پیش آورده بود که گاهی اوقات ارزش‌شان از مجموعه اسباب و وسایل یک خانه تیمی کمتر می‌شد!»

محافظ شخصی مسعود چه می‌گوید؟

خاطرات اعضای جداشده سازمان منافقین، بهترین سند برای آشنایی با عملکرد این سازمان است. برخی اعضای جداشده که بعدا حاضر شده‌اند درباره ماهیت این سازمان افشاگری کنند، رده‌های بالایی داشته‌اند و به رهبران این تشکیلات تروریستی بسیار نزدیک بوده‌اند. یکی از آنها مسعود خدابنده است که کتاب «تهران تا تیرانا» مجموعه‌ای از خاطرات اوست و محمدجعفر بگلو آن را تدوین و انتشارات شهیدکاظمی منتشرش کرده است. مسعود خدابنده با نام سازمانی رسول، دانش‌آموخته مهندسی برق از انگلستان بود. با داغ شدن تنور انقلاب، برای آشنایی با دیدگاه‌های رهبر انقلاب به پاریس رفت اما در آنجا یکی از اعضای سازمان او را جذب می‌کند. خدابنده، زمانی از اعضای ارشد سازمان بود و مأموریت‌های مهمی چون فراری دادن کلاهی و کشمیری، دو عامل اصلی انفجار حزب جمهوری و دفتر نخست‌وزیری را انجام داد و به‌خاطر انجام موفق امور خطرناک، به‌عنوان سرتیم حفاظت از مسعود رجوی بوده و روابط سازمان با برخی کشورهای غرب‌آسیا مشغول به فعالیت شد. نزدیکی دائمی به رهبران سازمان و قرارگرفتن در برابر واقعیت عریان پشت صحنه این تشکیلات باعث شد که او در سال ۷۵ تصمیم بگیرد ارتباط خود را با این سازمان جهنمی قطع کند. خاطرات او اطلاعات تکان‌دهنده‌ای درباره ساختار سازمان، کیش شخصیت رجوی و استحاله نیروهای عضو را در برابر چشم مخاطب می‌گذارد. در این کتاب، می‌بینید که اعضای سازمان برای رهبران آن هیچ اعتبار و ارزشی ندارند. برای مثال در بخشی از خاطرات نویسنده، درباره عملیات شکست‌خورده فروغ جاویدان می‌خوانیم: «مسعود می‌گفت تا آخرین نفر هم کشته شوند برنمی‌گردیم؛ البته تا وضع خراب شد از طریق من اطلاع داد که افرادی مثل مهدی ابریشمچی، ابراهیم ذاکری و یکی دو نفر دیگر از حواریونش را از صحنه خارج کنیم. داد و فریاد می‌کرد که نیروی هوایی صدام باید به کمک ما بیاید. سرآخر خودش را با بالگرد به کاخ صدام منتقل کردند. با تغییر شرایط کم‌کم ارتباط سرستون قطع شد تا جایی‌که شبکه ما فقط به پشت جبهه و معدود ماشین‌هایی که توانسته بودند برگردند وصل مانده بود. مسعود رجوی آن روز هرگز حاضر به اعلام دستور عقب‌نشینی نشد. از حدود ۶۰۰۰ نفر که به امید اسکان در ایران راهی شده بودند کمتر از ۲۰۰۰ نفر برگشتند که اکثرا زخمی بودند. تعدادی انگشت‌شمار هم بعدها ردشان در پاکستان پیدا شد.»

پدر نبود، مادر را کشتند

برای دانستن واقعیت سازمان منافقین، تنها مرور خاطرات اعضای جداشده از این سازمان کافی نیست. باید به قربانیان آن هم توجه کرد. آیا واقعا این سازمان در دهه ۶۰ فقط اعضای رده‌بالای نظام را هدف قرار می‌داده است یا در مشی این سازمان مانند هر گروه تروریستی دیگری، هرکس که مانند آنها فکر نمی‌کنند، شایسته مرگ و نیستی‌اند؟ برای یافتن پاسخ پیشنهاد می‌کنیم کتاب «خانواده ابدی» نوشته معصومه رامهرمزی را بخوانید که انتشارات حماسه یاران آن را چاپ کرده است. اما داستان این کتاب درباره چیست؟ محسن اسکندری پاسداری ساده بود که مسئولیت تربیت نیروهای داوطلب جبهه را برعهده داشت. منافقین او را تهدید به ترور کردند. البته که این پاسدار جوان به تهدیدها اعتنایی نمی‌کرد. سرانجام منافقین صبح روز ۴ شهریور ۱۳۶۱ به خانه او حمله کردند ولی او در خانه نبود. به نظر شما منافقین چه کردند؟ او در خانه نبود ولی خانواده‌اش که بودند؛ برای همین رگبار گلوله‌ها را به طرف آنها گرفتند و مادر خانواده یعنی عشرت اسکندری را همراه مهمانان‌شان به شهادت رساندند. به همین راحتی! برای اعضای این گروهک تروریستی کشتن افراد بی‌گناه به صورت عادت درآمده بود و برای همین به جای محسن، همسرش را به شهادت رساندند. داستان کتاب، روایتی است از زندگی این زن شهید و ماجراهایی که بر خانواده او پس از شهادتش گذشته است. البته در این کتاب یاد دو شهید دیگر این ترور کور یعنی فاطمه عشیری و علی اکبر خدادادی هم گرامی داشته می‌شود؛ دو شهیدی که تنها گناه‌شان این بود که یکی از اقوام‌شان پاسدار است! تازه به یاد داشته باشید که اعضای این سازمان دچار چنان انحرافی از مبانی اخلاقی و انسانی شده بودند که می‌خواستند خانه‌ای را که در آن چند کودک در حال زاری کردن بر جنازه مادرشان هستند، منفجر کنند. این سطح از انحراف فکری و سقوط را شاید فقط اعضای گروهک‌های تکفیری داشته باشند که آنها هم شعبه‌ای از تفکرات فرقه‌ای و انحرافی مانند سازمان مجاهدین خلق هستند.

> سازمان مجاهدین خلق ایران در مسیری پرشتاب از سقوط و تباهی درغلتید و هر روز خیانتی نو از اعضای آن سرزد تا جایی که در زمان جنگ به ستون پنجم دشمن تبدیل شدند

برش

رمانی درباره سرنوشت فریب‌خوردگان

گرچه در زمینه کتاب‌های خاطرات و تاریخ شفاهی درباره این گروهک، طی سال‌های اخیر کتاب‌های خوبی منتشر شده است اما باید قبول کرد در زمینه نوشتن داستان و ادبیات خلاقه کم‌کار بوده‌ایم. زندگی اعضای فریب‌خورده این سازمان مخوف، به‌دلیل درگیری‌های ذهنی و شخصیت عجیب و غریبی که اعضای این سازمان بعد از وابستگی پیدا می‌کنند، جای کار زیادی دارد. اگر فیلم‌های سوگند خوردن اعضای سازمان به مسعود و مریم را دیده باشید، حیرت می‌کنید که چگونه انسانی تا این سطح سقوط می‌کند. چنین شخصیت‌هایی واقعا به درد داستان و درام می‌خورند. البته برخی رمان‌های نسبتا خوب در این زمینه نوشته شده است که ازجمله باید از «ماتروشکا» نوشته شیما جوادی نام ببریم. این کتاب را انتشارات کتابستان معرفت منتشر کرده است. کتاب، داستان زندگی «سودا» زنی را روایت می‌کند که از هم پاشیده است. او بازمانده خانواده‌ای است که در کشاکش‌های سیاسی دهه ۶۰ از میان رفته است و اکنون او در سرگردانی انتخاب است. مادر سودا یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق بوده است، او را ترک می‌کند که به فعالیت سیاسی بپردازد اما در حین بمب‌گذاری در یکی از ساختمان‌های شرکت ملی نفت دستگیر و اعدام می‌شود. سودا نیز تمام عمر با حسرت مثل مادر شدن و عقده طرد شدن بزرگ می‌شود. به علت این عقده در سال‌های جوانی به عضویت یک گروه سیاسی درمی‌آید که قصد آشوب دارند اما اعضای این گروه سیاسی هم سودا را از خود طرد می‌کنند. حالا او درحالی وارد ۴۰ سالگی شده است که در کشاکش وسوسه ادامه راه مادر است یا درافتادن به سرنوشت پدر است که در حصار ترس و تنهایی زندگی می‌کند. داستان نشان می‌دهد اعضای سازمان نه فقط زندگی خود را حرام کردند، نسل‌های بعد از خود را هم تحت تأثیر انتخاب اشتباه خود قرار داده‌اند. سازمان مجاهدین خلق، نه فقط از گروهی جوان پرشور، بیمارانی خطرناک در دام خودخواهی‌های سرانش ساخته است، فرزندان و خانواده‌های آنان را هم به گروگان جنون قدرت‌طلبی خود گرفته است. بسیار مادرانی که به خاطر سرسپردگی به سازمان، هیچ‌گاه فرصت مادری کردن برای فرزندان‌شان نیافتند و بسیار کودکانی که همه عمر حسرت یک زندگی خانوادگی ساده را خوردند اما نصیب‌شان عقده‌های روحی و روانی شد. شیما جوادی در ماتروشکا به جای این‌که قضاوت را به دست بگیرد و سعی کند به‌جای مخاطبانش تصمیم بگیرد، موقعیتی را برابر چشم مخاطب قرار می‌دهد که ناخودآگاه به‌حال فریب‌خوردگان فرقه رجوی تأسف می‌خورد و در درگیری‌های ذهنی آنان شریک می‌شود. نویسنده خود، کتابش را یک رمان عاشقانه روانشناختی سیاسی توصیف کرده است که سعی دارد به درون حفره‌های تاریک درونی زنی اسیر شده قدم بگذارد و او را واکاوی کند و به‌دنبال آن حوادث مهم سیاسی و جاسوسی سال‌های اخیر ایران را هم بیان می‌کند.

آگهی مناقصه عمومی
(نوبت اول)
قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا
موسسه عمران ساحل در نظر دارد دستگاه‌های هواساز (HVAC) ساختمان اداری و پست اصلی مربوط به پروژه تجهیز و تغییر کاربری اسکله‌های ۱ تا ۱۵ بندر پتروشیمی پارس واقع در استان بوشهر را به‌شرح ذیل از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.

Qty.	Type	no.
3	AHU	1
4	ACCU	2
5	Rooftop Package Unit	3

لذا از داوطلبان حائز شرایط شرکت در مناقصه فوق دعوت می‌شود از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ برای دریافت اسناد و مدارک اولیه مناقصه، نامه اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه را به آدرس ایمیل Askari.parsport2@gmail.com ارسال نمایند.
- اسناد مناقصه پس از تایید به صورت الکترونیکی ارسال می گردد.
- داوطلبان جهت دریافت هرگونه اطلاعات با شماره تلفن ۳۳۲۱۹۲۱۲-۰۲۱ داخلی ۴۴۳۷ آقای عسکری تماس حاصل فرمایید.
- ضمنا هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی
(نوبت اول)
قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا
موسسه عمران ساحل در نظر دارد اسپلیت و سیستم VRF مربوط به پروژه تجهیز و تغییر کاربری اسکله‌های ۱ تا ۱۵ بندر پتروشیمی پارس واقع در استان بوشهر را به شرح ذیل از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.

Qty.	Type	no.
22	Split safe	1
26	Split Ex	2
72 indoor 12 Outdoor	VRF	3

لذا از داوطلبان حائز شرایط شرکت در مناقصه فوق دعوت می‌شود از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۳ برای دریافت اسناد و مدارک اولیه مناقصه، نامه اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه را به آدرس ایمیل Askari.parsport2@gmail.com ارسال نمایند.
- اسناد مناقصه پس از تایید به صورت الکترونیکی ارسال می گردد.
- داوطلبان جهت دریافت هرگونه اطلاعات با شماره تلفن ۳۳۲۱۹۲۱۲-۰۲۱ داخلی ۴۴۳۷ آقای عسکری تماس حاصل فرمایید.
- ضمنا هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

(نوبت اول)
فراخوان مناقصه عمومی دومرحله ای
قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا
مدیریت تخصصی نفت، گاز و پتروشیمی
موسسه دریا ساحل
موسسه دریاساحل فعال در زمینه نفت و گاز در نظر دارد از طریق فراخوان مناقصه عمومی عملیات احداث ۲۰ کیلومتر خط لوله انتقال گاز ۱۲ اینچ در استان هرمزگان مربوط به پروژه انتقال گاز دارخوین را به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.
لذا شایسته است متقاضیان محترم حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه مذبور را از طریق پست و یا فاکس به آدرس ذیل‌الذکر ارسال نمایند.
شماره مناقصه: DAR-MR-EO-03-0012
موضوع مناقصه: عملیات احداث ۲۰ کیلومتر خط لوله انتقال گاز ۱۲ اینچ
- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.
- لازم به ذکر است، این مناقصه دارای ضریب تاثیر فنی نمی‌باشد.
آدرس: تهران، میدان رسالت (بزرگراه شهید سلیمانی شرق به غرب) بعد از خیابان اردکانی، جنب بوستان مهتاب، پلاک ۱۰۰۳
شماره تماس: ۲۳۰۱۵۵۴۲ -۰۲۱ شماره فاکس دبیرخانه: ۲۳۰۱۵۴۰۳ -۰۲۱
شماره دبیرخانه: ۲۳۰۱۵۴۰۲ -۰۲۱

آگهی مناقصه عمومی
(دو مرحله‌ای)
نوبت اول
شرکت پالایش نفت کرمانشاه (سهامی عام)
شماره مناقصه: RKP-1402159261-KM/S-06
شرح کالای مناقصه: خرید سنسور آنالایزر
مطابق با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه خرید
۱ - نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه به نشانی:
کرمانشاه، بلوار شهید دکتر بهشتی، مقابل پارک شاهد، مدیریت بازرگانی
تلفن: ۳۱۴۹۷۵۹۵-۰۸۳ و فاکس ۳۱۴۹۷۵۹۶-۰۸۳، کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۵۱۹
۲ - نوع، کمیت و کیفیت کالا:
شرح کامل مناقصه خرید در آدرس اینترنتی www.korc.ir قید شده است.
۳ - نوع و مبلغ تضمین: ضمانتنامه معتبر بانکی به مبلغ ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب (شبای) IR۹۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۸۲۸۰۵۴۶۵۸ این شرکت نزد بانک تجارت شعبه نفت
۴ - محل، زمان و مهلت دریافت اسناد:
مدیریت بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۴
۵ - زمان گشایش پیشنهاد فنی: تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۸ و زمان گشایش پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ می‌باشد.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

اجرای برنامه‌های فرهنگی دهه امامت و ولایت در قطارهای رجا

همزمان با عید سعید قربان و آغاز دهه امامت و ولایت، شرکت حمل و نقل ریلی رجا در قطارهای این شرکت، برنامه‌های متنوع فرهنگی اجرا کرد. به گزارش روابط عمومی شرکت رجا، انجام این برنامه‌ها در راستای تعالیم فرهنگی و با هدف افزایش رضایت‌مندی مشتریان با اجرای مسابقه فرهنگی با موضوع معارف غدیر برای مسافران کودک و نوجوان به‌صورت نمادین در دو قطار جداگانه در مسیر تهران - مشهد (رفت و برگشت) صورت گرفت که موجب رضایت مسافران حاضر بود. در این برنامه‌ها که با پذیرایی از مسافران انجام شده بود، هدایایی به رسم یادبود به کودکان و نوجوانان مسافر اهدا شد. در ادامه همین برنامه‌ها، جلسات آموزشی نیز با موضوع تبیین فرهنگ غدیر و سبک زندگی اسلامی برای مأموران موظف در قطارها برگزار شده که در پایان هدیه‌ای به قید قرعه به دو نفر از مأموران حاضر اهدا شد. گفتنی است تهیه و پخش برنامه‌های متناسب فرهنگی این ایام از طریق سیستم‌های صوتی و تصویری قطارها، چاپ و نصب پوسترهای فرهنگی در قطارها، چاپ و نصب استندهای مناسبتی در سکوهای مسافرگیری ایستگاه تهران، پذیرایی از مسافران با شیرینی، شکلات و... از دیگر اقدامات صورت گرفته برای دهه امامت و ولایت توسط شرکت رجا برای حوزه مسافری در قطارها است.

آگهی مزایده
فروش لوله و اتصالات چدنی
یک سازمان عمومی غیر دولتی در نظر دارد لوله و اتصالات چدنی بلااستفاده خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
لذا از کلیه متقاضیان خرید دعوت می‌نماید جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ و ارائه پیشنهاد از مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ لغایت ۱۴۰۳/۰۴/۱۴ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس (setadiran.ir) مراجعه نمایند.
همچنین به منظور کسب اطلاعات بیشتر و رؤیت کالا با شماره تلفن‌های ۲۲۸۴۳۶۹۴ و ۱۱ - ۲۳۷۳۳۱۱۰ تماس و با هماهنگی در ساعات اداری به نشانی: تهران خیابان پاسداران، بالاتر از نگارستان هشتم، پلاک ۱۹۱ مراجعه فرمایند.
م الف ۱۰۵۷/شناسه ۱۷۳۶۷۴۸

آگهی مناقصه عمومی
با اخذ سپرده
نوبت اول
شرکت پالایش نفت بندرعباس (سهامی عام)
درخواست شماره: RHD-03017011-T21
موضوع آگهی: خرید
ROSEMOUNT PRESSURE TRANSMITTER
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.baorco.ir مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول
شماره ۱۴۰۲/۰۲۱
شرکت پالایش نفت بندرعباس (سهامی عام)
موضوع آگهی:
آماده‌سازی آموزشگاه فنی و حرفه‌ای جوار پالایشگاهی در دبیرستان پسرانه شهرک مروارید
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه:
پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۷
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.Shana.ir و www.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول
شماره ۱۴۰۲/۰۱۵
شرکت پالایش نفت بندرعباس (سهامی عام)
موضوع آگهی:
احداث ساختمان سرویس بهداشتی و حمام جهت انبارهای یدکی واقع در طرح و احداث (منطقه «د»)
آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه:
پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۷
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.BAORCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.Shana.ir و www.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه عمومی
با اخذ سپرده
نوبت اول
شرکت پالایش نفت بندرعباس (سهامی عام)
درخواست شماره: RHP-7302505498-T31
موضوع آگهی: ساخت الکتروپمپ کف کش مستغرق ضد انفجار پرتابل و قطعات یدکی آن
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت www.baorco.ir مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل